

تجوید قرآن سطح ۱

(دوره مقدماتی)

نویسنده:

محمی الدین مرادی

عنوان کتاب: تجوید قرآن سطح ۱
تألیف: محی الدین مرادی
موضوع: قرائت و تجوید و حفظ
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

قرآن	۳
آغاز تلاوت	۴
وقف و ابتداء	۴
۱-وقف ابدال	۴
۲-وقف اسکان	۴
نحوه ابتداء به همزه وصل	۵
نحوه تشخیص حرکت همزه وصل در ابتداء به کلمات	۵
علائم وقف	۶
ترتیل قرآن و روش‌های سه‌گانه	۶
حروف عربی «عبارتند ۲۸ حروف»	۷
تلفظ ۱۰ حرف ویژه	۷
صفات حروف	۱۰
صفت قلقله - لین	۱۱
تغلیظ و ترقیق حرف «ل»	۱۲
تفخیم و ترقیق حرف «ر»	۱۲
باب ادغام	۱۴
موارد ادغام در روایت حفص از عاصم	۱۴
احکام نون ساکنه و تنوین	۱۵

-
-
- ۱- اظهار ۱۵
- ۲- ادغام ۱۵
- ۳- اقلاب ۱۶
- ۴- اخفاء ۱۶
- احکام «میم» ساکنه ۱۷**
- ۱- ادغام ۱۸
- ۲- اخفاء ۱۸
- ۳- اظهار ۱۸
- احکام مدّ و قصر ۱۹**
- موارد سکت در قرآن ۲۰**

قرآن

«قرآن کلام خدای می باشد که **جِبْرِيلَ الرَّحْمٰنِ** بر حضرت محمد **ﷺ** فرود آورده است».

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا ﴿٩﴾ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾﴾ [الإسراء: ٩-١٠].

«همانا این قرآن به استوارترین راه هدایت می کند، و اهل ایمان را که نکوکاری می کنند به ثوابی بزرگ مزده می دهد. البته برای کسانی که به عالم دیگر ایمان نمی آورند عذابی دردناک آماده ساخته ایم».

﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾﴾ [ابراهيم: ١].

«کتابی بر تو فرستادیم، تا مردم را از تاریکی ها [ای کفر و نادانی] بیرون آوری و به جهان نور رسانی».

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ﴾ [النحل: ٨٩].

«قرآن را بر تو فرستادیم درحالیکه بیانگر هر چیز و مسلمانان را هدایت و رحمت و مزده است».

آغاز تلاوت

إِسْتِعَاذَةٌ «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

«پناه می‌برم به خداوند از شر شیطان رانده شده».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

«به نام خداوند بخشنده و مهربان»

وقف و ابتداء

طریق وقف بر آخر کلمات به دو روش صورت می‌گیرد:

۱- وقف ابدال

(تبدیل کردن) حرف آخر کلمه به هنگام وقف به حرف دیگری تبدیل شود.

وقف ابدال دو مورد دارد:

الف: وقتی آخر کلمه تاء گرد(ة) قرار دارد، در وقف به «هَاء ساکنه» تبدیل می‌شود.

مثال: (رَحْمَةٌ - رَحْمَةٌ)، (الصَّلَاةُ - الصَّلَاةُ)، (التَّوْرِيَةُ - التَّوْرِيَةُ).

ب: در کلماتی که به تنوین نصب(-) ختم شده‌اند، در وقف تبدیل به الف مدّی

می‌شود.

مثال: (حِسَابًا - حِسَابًا)، (غُفُورًا - غُفُورًا)، (هُدًى - هُدًى)، (مَاءٌ - مَاءٌ).

۲- وقف اسکان

(ساکن نمودن) حرف آخر بقیه کلمات «غیر از موارد ابدال» با هر حرکتی در هنگام

وقف ساکن می‌گردد.

مثال: (كُتِبَ - كُتِبَ)، (يَوْمٌ - يَوْمٌ)، (هُوَ - هُوَ)، (مَقَاعِدَ - مَقَاعِدَ).

نحوه ابتداء به همزه وصل

همزه وصل یک نوع الف است که جهت ابتداء به چنین کلماتی به کار می‌رود.

بر بالی همزه وصل یک علامت صاد کوچک (صه) دیده می‌شود.

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى - اشْتَرَى)، (الَّذِينَ اتَّخَذُوا - اتَّخَذُوا)، (رَبِّ انصُرْنِي - انصُرْنِي).

در قرآن برای همزه وصل علامت حرکت (فتحه × کسره - ضمه) نمی‌گذارد باید خود بگذارد.

نحوه تشخیص حرکت همزه وصل در ابتداء به کلمات

همزه وصل در آغاز هر سه نوع کلمه عرب (حرف - اسم - فعل) می‌آید.

۱- حرف: در قرآن تنها کلمه که «حذف» محسوب می‌شود و همزه وصل می‌گیرد، «حرف تعریف» (الف و لام) می‌باشد. این همزه در صورت ابتداء مفتوح است.

مثال: (عَاقِبَةُ الدَّارِ - الدَّارِ) (تُدْرِكُ الْقَمَرَ - الْقَمَرَ).

۲- اسم: همزه وصلی که بر سر اسم‌ها بیاید در صورت ابتداء مکسور خواهد بود.

مثال:

مَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ (ابْنِ) - مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ (ابْنَتِ) - أَبُوكَ أَمْرَأَ (أَمْرَأَ) - ثَانِي
أَثْنَيْنِ (أَثْنَيْنِ، أَثْنَيْنِ) - مِنْهُ أَثْنَتَا (أَثْنَتَا).

۳- فعل: بقیه کلمات دارای همزه وصل در قرآن، فعل هستند. پس از همزه وصل فعل

«اولین حرف متحرک» را نگاه می‌کنیم، اگر مفتوح یا مکسور بود، همزه وصل ما «مکسور»

است و اگر حرف مزبور مضموم بود، همزه وصل نیز «مضموم» خواهد بود. «در فعل

همزه وصل مفتوح نداریم».

مثال: (فَقَدْ آهْتَدَوْا - اهْتَدَوْا) (رَبَّنَا آغْفِرْ لَنَا - اِغْفِرْ لَنَا) (رَبِّ أَنْصُرْنِي - أَنْصُرْنِي).

علائم وقف

(م): وقف لازم - وقف الزامی است و در صورت وصل احتمال تغییر مفهوم جمله زیاد است.

(ط): وقف مطلق - تأکید می‌شود وقف کنید. چون موضوع مورد بحث تمام است.

(ج): وقف جائز - هم می‌توان وقف کرد و هم می‌توان وصل نمود.

(ز): وقف مُجَوِّز - مانند وقف جائز است. البته وصل آن بهتر است.

(ص): وقف مُرَخَّص - به خاطر طولانی بودن جمله و کمبود نفس رخصت داده می‌شود وقف کنید و سپس از کلمه بعد ابتدا نمائید.

(لا): وقف ممنوع! - نباید وقف کرد. اگر بطور اضطراری مجبور شدید وقف کنید حتماً برگردید و مجدداً وصل نمائید.

(قلی): وقف بهتر از وصل است.

(صلی): وصل از وقف بهتر است.

(... ...): وقف مُعَانَقَه - این دو مجموعه سه نقطه اگر بر روی دو کلمه نزدیک به هم

قرار داده شود، به این معنی که در صورت وقف بر هریک از آنه بر دیگری نمی‌توان وقف کرد. مثال: در بقره آیه: ۲.

ترتیل قرآن و روش‌های سه‌گانه

ترتیل: تلاوت حروف و کلمات قرآن به صورت «صحیح» و «شمرده» و همراه با «تدبّر» در معانی آیات.

ترتیل قرآن از لحاظ سرعت به سه روش صورت می‌گیرد:

- ۱- قرائت به روش تحقیق «خواندن قرآن با سرعت کم و دقت زیاد» این روش در امر آموزش قرائت استفاده نمود. «از این روش قرائت در مجالس و محافل بکار می‌رود».
- ۲- قرائت به روش تدویر «خواندن قرآن با سرعت متوسط» این روشی است که در میان مردم به روش ترتیل مشهور است. «تلاوت یک جزء از قرآن به این روش حدود یک ساعت به طول می‌انجامد».
- ۳- قرائت به روش تدحیر (حَدْر) «تلاوت با سرعت زیاد» این روش برای تلاوت هرچه بیشتر آیات قرآن و کسب ثواب افزون‌تر استفاده می‌شود. «از این روش در نماز خوانده می‌شود».

حروف عربی «عبارتند ۲۸ حروف»

- الف - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء (زای) - سین - شین - صاد ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - واو - هاء - یاء.

آنگاه اولین حرف «الف» را به دو نوع تقسیم می‌کنند:

- ۱- الف مدّی (۱) مثال: قَالَ - هَذَا - یَری
 ۲- الف غیرمدّی (همزه ء) مثال: یَشَأْ - یُبدِئُ - مُؤمِنٌ.

تلفظ ۱۰ حرف ویژه

در بین ۲۸ حرف زبان عربی فقط ۱۰ حرف از آنها تلفظشان با زبان فارسی متفاوت است.

این حروف ده‌گانه عبارتند: «ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - و».

حرف «ث»: این حرف را باید به اصطلاح (نوک زبانی) و نازک و کم حجم تلفظ کرد (مانند کودکی که نوک زبانی صحبت می‌کند) یعنی درحالی‌که نوک زبان با دندان‌های جلو در آرواره بالا تماس دارد هوا را بیرون دمیم (فشار نوک زبان بر دندان‌ها زیاد نباشد).

حرف (ث) بدون این که صدای «صوت» از آن شنیده شود تلفظ می‌گردد.

مثال: ثَوَابَ - ثَقَلْتُ - ثَلَاثُ - ثُلُثُ - ثَابِتٌ - مَثُوبَةٌ - ثُبُورًا - جَائِيَةً - ثَلَاثُونَ -

يُثْبِتُ.

حرف «ح»: حرف (حاء) با گرفتگی خاصی در حلق ایجاد می‌شود. مانند کسی که بخواهد مثلاً پوست تخمه‌ای را که در حلق گیر کرده با فشار هوا خارج کند.

مثال: الْحَمْدُ - مَحَبَّةٌ - حَاجِزًا - حُسْنًا - حُنْفَاءٌ - يُحْوِلُ - دُحُورًا - حِبَاهُمْ - الرِّيحُ

(در وقف).

حرف «ذ»: حرف (ذال) عیناً مانند حرف (ثاء) از تماس نوک زبان و دندان‌های بالا و با صدای نازک و (کم حجم) تلفظ می‌گردد (مهم). (فشار نوک زبان بر دندان‌ها زیاد نباشد).

مثال: ذَهَبَ - تَذَرُ - نَبَذَ - نُذِرُ - الذُّنُوبَ - ذُوقُوا - اذِلَّةً - اذْكُرُوا - ذِي قُوَّةٍ -

يَوْمَئِذٍ (در وقف).

حرف «ص»: حرف (صاد) مانند (س) تلفظ می‌شود فقط به همراه آن صدا پر حجم و درشت می‌گردد (سین مُفَحَّم). برای این کار گلو را پر حجم کنید. به اصطلاح عامیانه باد در گلو بیندازید.

تأکید می‌شود که هنگام تلفظ (ص) نباید صدای سوت شدید شنیده شود.

مثال: صَدَقَ - صَلَحَ - قَصَصَ - صُورَةَ - الصُّلْحَ - اِصْرًا - نَصُوحًا - يَفْصِلُ -

مَحِيصٌ (در وقف).

حرف «ض»: حرف (ضاد) از تماس کناره زبان با دندان‌های آسیای بالا (از هر طرف که مقدور باشد) و با صدای پرحجم و درشت تلفظ می‌شود.

مثال: ضَرَبَ - ضَعْفٍ - وَضَعَهَا - مَغْضُوبٍ - ضِعْفَاءٌ - ضَامِرٌ - يَسْتَضْعِفُ - مَرِيضٌ (در وقف).

حرف «ط»: حرف (طاء) مانند حرف (ت) تلفظ می‌شود با این تفاوت که صدای آن درشت و پرحجم می‌باشد (تاء مَفْخَم). حرف (ط) قوی‌ترین حرف زبان عرب می‌باشد. مثال: طَبَّيَّةٌ - طَبَقًا - لِلطَّائِفِينَ - يَطْهَرُونَ - يَطُوفُ - طِفْلًا - صِرَاطِي - طُوبَى - مُحِيطٌ (در وقف).

حرف «ظ»: این حرف دقیقاً مانند حرف (ذ) از تماس نوک زبان و سر دندان‌های جلو آرواره بالا ایجاد می‌شود با این تفاوت که صدا در حرف (ظاء) درشت و پرحجم می‌گردد (ذال مَفْخَم).

با دقت کرد که هوا با فشار زیاد در منخرج دمیده نشود.

مثال: ظَلَمَ - أَعْظَمَ - ظُلُمَاتٍ - الظُّنُونَا - أَظُنُّ - تُوعِظُونَ - يُظْهِرَ - ظَهَرَ - غَلِيظٌ (در وقف).

حرف «ع»: این حرف از میان حلق و به صورت نرم تلفظ می‌شود و گویی صدا (کش) می‌آید (البته این به معنای افراط در ندمی حرف نیست). حرف (ع) مَفْخَم و پرحجم اداء نشود.

مثال: عَلِمَ - مُعَلِّمٌ × الْعَالَمِينَ - مَعَايِشَ - تَعُدُّوا - عَتَلٌ - مَاعُونَ - يَعْرِفُونَ - السَّمِيعُ (در وقف).

حرف «غ»: حرف (غین) از همان محل تلفظ حرف (حاء) یعنی از ناحیه حلق تلفظ شده ولی صدای آن نرم و کشیده و دنباله دار است و حالت خراش و خشونت حرف

(خاء) را ندارد. صدای (غ) را می‌توانیم هنگامی که مقداری آب در گلو (غرغره) می‌کنیم، بشنویم. صدای (غ) باید درشت و پر حجم باشد.

مثال: غَيْرٌ - غَضَبٌ - الْعُرُورَ - الْغَافِرِينَ - يَغْلَى - غُصَّةٍ - يَعُوضُونَ - يُغْنِهِمْ - غَيْرِباغٌ (در وقف).

حرف «و»: برای تلفظ (واو) نباید مثل صدای فارسی آن دندان‌های بالا با لب پایین تماس گردد؛ بلکه در اداء این حرف لب‌ها به حالت (غنچه) درمی‌آید و صدای (و) از میان دو لب خارج می‌شود.

باید دقت کرد که حرف واو کم حجم و نازک اداء شود.

مثال: وَرَدَ - الْوَقُودِ - لَوَّوا - وُجُوهُ - وُورِي - مَوْرُودٌ - اوُوا وَ نَصْرُوا - بَلَوْنَاهُمْ (در وقف).

صفات حروف

صفت استعلاء «برتری طلبی - میل به بلندی».

و در اصطلاح تجوید (میل ریشه زبان به سوی سقف دهان در هنگام تلفظ حرف). در اثر این صفت حرف حالت پرحجم و درشتی به خود می‌گیرد که به این حالت (تفخیم) می‌گویند.

حروف استعلاء باید با صدای پرحجم و درشت تلفظ شوند.

حروف استعلاء هفت حرفند: «ص - ض - ط - ظ - خ - غ - ق» چهار حرف اول از سه حرف باقی مانده درشت‌تر و قوی‌ترند.

صفت استفال: «پائین آمدن - پست شدن».

و در اصطلاح تجوید (پائین آمدن ریشه زبان و دور شدن آن از کام بالا).

در اثر این صفت حروف به حالت (ترقیق) یعنی با صدای نازک و کم حجم تلفظ می‌شود.

بغیر از حروف استعلاء، بقیه حروف دارای صفت استفال هستند. باید دقت کرد که درشتی حروف استعلاء در کلمات بر تلفظ حروف استفال قبل و بعد آنها تأثیر نگذارد. (مهم)

صفت قلقله - لین

صفت «قلقله» به معنای «اضطراب - بی‌قراری - تکان خوردن» در تجوید: «حرکت مختصر حروف ساکن».

صفت قلقله مخصوص ۵ حرف (ق - ط - ب - ج - د) می‌باشد در عبارت: «قُطِبُ جَدٌّ» جمع شده.

این حروف هرگاه ساکن شوند چه در وسط کلمه و چه در آخر (هنگام وقف) قلقله می‌گیرند.

دو نکته مهم

- ۱- باید دقت کرد که قلقله به حرکت کامل (فتحه و کسره و ضمه) تبدیل نگردد.
- ۲- در ۲۳ حرف باقی باید کمال دقت را بنمائید که در موقع سکون به هیچ‌وجه قلقله نگیرند.

مثال قلقله:

ق: (أَقْبَلَ - طَارِقُ - نَقْتَبِسُ - بِالْحَقِّ).

ط: (أَطْرَافَ - يَفْرُطُ - نَطْعِمُ - صِرَاطُ).

ب: (أَبْرَمُوا - يَبْسُطُ - حُسَابُ - وَتَبَّ).

ج: (أَجْرَمُوا - أَجْرًا - مَعَارِجُ - بِالْحَجِّ).

د: (أَدْبَرَ - أَرْدْنَا - حَمِيدٌ - حَادٌّ).

صفت «لین» به معنای «نرمی × ضد خشونت» و در تجوید (به نرمی ادا شدن حرف). این صفت مخصوص دو حرف (واو ساکنه ماقبل، مفتوح و یاء ساکنه ماقبل، مفتوح) است. (--- و، --- ی).

مثال: (خَوْفٍ - قَوْمٌ - يَوْمًا - لَبَغُوا - عَصَا - بَيْتٍ - إِلَيْكَ - شَيْءٌ - ابْنِي - اِثْنِي).

«تفخیم» در تجوید یعنی: «درشت پرحجم تلفظ کردن حرف». کلمه «تغلیظ» هم در تجوید به معنای تفخیم است ولی فقط در مورد پرحجمی حرف (ل) به کار رفته است. «ترقیق» در تجوید یعنی: «نازک و کم حجم تلفظ کردن حرف». در تجوید قرآن، هر جا که حرف درشت تلفظ شود، در واقع «تفخیم» گشته و هر جا نازک اداء گردد «ترقیق» شده است.

تغلیظ و ترقیق حرف «ل»

به درشت و پرحجم تلفظ شدن «ل» به جای «تغلیظ» گویند هر دو یک مفهوم دارند. در لفظ جلاله (در کلمه الله) اگر ماقبل حرف «ل» آن فتحه یا ضمّه بیاید، لام تغلیظ می‌شود و اگر ماقبل آن کسره واقع شود، ترقیق می‌گردد.

مثال تغلیظ لام: هُوَ اللهُ - إِنَّ اللهُ - نَصْرُ اللهِ - رَسُولُ اللهِ - عَلَّمَهُ اللهُ - أَرَنَا اللهُ - وَاتَّقُوا اللهُ.

مثال ترقیق لام: بِسْمِ اللهِ - فِي اللهِ - سَبِيلِ اللهِ - يَجِدِ اللهُ - عَلَيْهِ اللهُ - عِنْدِ اللهِ - قُلِ اللهُ.

در سایر کلمات (غیر از الله) حرف لام بدون استثنا «ترقیق» می‌شود (مهم).

تفخیم و ترقیق حرف «راء»

اگر حرف «راء» حرکت داشته باشد نیازی به توجه به حروف ما قبل و ما بعد آن نیست.

اگر «راء» ساکن بود به ما قبل آن نگاه می‌کنیم اگر ما قبل آن هم ساکن بود باز به ما

قبل ساکن نگاه می‌کنیم که حرکت دارد و از آن کمک می‌گیریم.

موارد «تفخیم» راء:

- ۱- راء مفتوح و مضموم. رَحْمَنُ - رُحَمَاءُ - نُزْدُ - رُزِقَ - أَرْوَحُ.
- ۲- راء ساکنه ما قبل، مفتوح و مضموم. يَرْضِي - الْقُرْآنُ - أَرْسَلَ - دُسُرٌ - فَاهُجُرٌ.
- ۳- راء ساکنه ما قبل، ساکن ما قبل، مفتوح و مضموم. عَشْرٌ - خَسِرٌ - وَالْفَجْرُ - وَالْعَصْرُ.

۴- راء ساکنه ما قبل، الف و واو مدئی (این مورد را می‌توان جزء مورد سوم دانست اما جهت سهولت فراگیری). نَارٌ - نُورٌ.

۵- راء ساکنه ماقبل، همزه وصل (اگرچه حرکت ما قبل راء، کسره باشد). رَبِّ
أَرْجِعُونِ - أَرْجِعُونِ - إِنْ أَرْتَبْتُمْ.

۶- راء ساکنه ما بعد، حرف استعلاء (به شرطی که در یک کلمه باشند اگرچه حرکت ما قبل، کسره باشد) فِرْقَةٍ × مِرْصَادًا.

موارد «ترقیق» راء:

- ۱- راء مکسور. رِجَالٌ - أَرْنَا - نُذِرٌ - لَا تُدْرِكُهُ - وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ.
- ۲- راء ساکنه ماقبل، مکسور. فِرْعَوْنُ - مَرِيَّةٌ - يَغْفِرْ لَكُمْ - يَوْمَ عَسِيرٍ.
- ۳- راء ساکنه ماقبل، ساکن ماقبل، مکسور. السَّحْرُ - الذَّكْرُ - لِذِي حِجْرٍ - بِهِ
السَّحْرُ.

۴- راء ساکنه ما قبل، یاء مدئی. قَدِيرٌ - يَسِيرٌ - خَبِيرٌ - نَذِيرٌ.

۵- راء ساکنه ماقبل، یاء ساکنه (اگرچه ما قبل آن حرف مفتوح باشد) خَيْرٌ - غَيْرٌ -

السَّيْرِ - بِالْخَيْرِ.

باب ادغام

«ادغام» در لغت یعنی «ادخال - داخل نمودن».

در تجوید عبارتست: (حذف حرف ساکن و مشدد نمودن حرف بعدی).

مثال: قُلْ هُمْ - خوانده می شود - قُلَّهُمْ،

قَدْ تَبَيَّنَ - خوانده می شود - قَتَّبَيَّنَ.

حرف ساکن حذف شده را «مِدْغَم» (ادغام شده) و حرف بعدی را که مشدد می شود

«مُدْغَمٌ فِيهِ».

موارد ادغام در روایت حفص از عاصم

۱- هر حرفی که ساکن باشد در مثل خودش ادغام می شود مانند: قَدْ دَخَلُوا،

۲- ب - در م مانند: اَرْكَبْ مَعَنَا - خوانده می شود - اَرْكَمَعَنَا.

اما میم ساکنه در باء ادغام نمی شود.

۳- (ت - د - ط) هر کدام ساکن باشد و دیگری بعد آن واقع شود ادغام صورت

می گیرد

مانند: اَتَقَلَّتْ دَعْوَا اللّٰهِ - وَدَّتْ طَائِفَةٌ - قَدْ تَبَيَّنَ - بَسَطَتْ.

۴- (ث - ذ - ظ) هر کدام ساکن باشد و دیگری بعد آن واقع شود ادغام صورت

می گیرد.

مانند: يَلْهَثْ ذَلِكْ - اِذْ ظَلَمُوا.

۵- ق - در ک مانند: اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ.

۶- ل - در ر مانند: قُلْ رَبِّي.

۷- ن - در يَزْمَلُونَ حروف یرملون (ی - ر - م - ل - و - ن) در غیر موارد فوق به

روایت (حفص از عاصم) ادغامی صورت نمی گیرد.

احکام نون ساکنه و تنوین

نون ساکنه یا تنوین با توجه به حرفی که بعد آن قرار می‌گیرد، احکام چهارگانه نون ساکنه و تنوین:

۱- اظهار

اظهار یعنی «ظاهر کردن» و در تجوید عبارتست: «اداء حرف از مخرجش». هرگاه نون ساکنه قبل از (حرف شش‌گانه حلقی) واقع شود، اظهار می‌گردد. یعنی نون به صورت طبیعی و اصلی خود و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف از مخرجش اداء می‌شود.

حروف حلقی عبارتند: «ء - ه - ع - ح - غ - خ».

مثال:	در یک کلمه	بین دو کلمه	با تنوین
ء - ا:	يِنَّاوْنَ	مِنْ أَمْرِهِمْ	كُلُّ أَمِنَ
ه:	مَنْهُمْ	إِنْ هُوَ	فَرِيقًا هَرِي
ع:	أَنْعَمْتَ	مَنْ عَمَلٌ	سَمِيعٌ عَلِيمٌ
ح:	تَنْحِتُونَ	فَمَنْ حَجَّ	حَكِيمٌ حَمِيدٌ
غ:	فَسَيُغْضَبُونَ	مِنْ غِلٍّ	قَوْلًا غَيْرَ
خ:	الْمُنْحَرِقَةُ	مِنْ خَيْرٍ	حَكِيمٌ خَيْرٌ

۲- ادغام

هرگاه نون ساکنه قبل از یکی از حروف «يَرْمَلُونَ» یعنی (ی - ر - م - ل - و - ن) واقع شود یعنی نون ساکنه خوانده نمی‌شود و به جای آن حرف مذکور مشدد اداء می‌شود.

باید توجه کرد که ادغام نون ساکنه در چهار حرف «ی - م - و - ن» همراه با «غنه» و در دو حرف «ل - ر» بدون غنه است. منظور از (غنه) این است که در هنگام نون ساکنه در چهار حرف (ی - م - و - ن) صدا از بینی خارج می‌شود و «کمی کشیده می‌شود» آ در دو حرف (ل - ر) ادغام بدون صدای غنه بوده و کشش هم ندارد (مهم).

مثال: ادغام با غنه

«ی»: مَنْ يَهْدِي - إِنْ يَسْرِقْ - آيَةٌ يُعْرِضُوا

«م»: مِنْ مَالٍ - وَمَنْ مَعَهُ - قَرَارِ مَكِينٍ

«و»: مَنْ وُجِدَ - مِنْ وَلِيٍّ - يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

«ن»: عَنِ نَفْسٍ - إِنْ نَحْنُ - شَيْءٍ نُكْرٍ.

ادغام بدون غنه

«ل»: إِنْ لَبِثْتُمْ - مِنْ لَدُنْكَ - مَتَاعًا لَكُمْ

«ر»: مِنْ رَبِّكُمْ - مِنْ رَبَاطٍ - مَثَلًا رَجُلًا.

۳- اقلاب

اقلاب یعنی «دگرگون کردن» و در تجوید عبارتست: «تبدیل کردن نون ساکن به میم».

مثال: مَنْ بَعْدَ - مِمَّ بَعْدٍ ، سَمِيعٌ بَصِيرٌ - سَمِيعٌ مَبْصِيرٌ ، أَنْبِئُهُمْ - أَمْبِئُهُمْ ، أَمَدًا

بَعِيدًا - أَمَدًا مَبْعِيدًا.

دقت کنید که صدای «م» ایجاد شده باید از فضای بینی و به همراه کشش اداء شود

(غنه).

۴- اخفاء

اخفاء یعنی «مخفی کردن» و در تجوید عبارتست: «اداء نون ساکنه با حالتی بین اظهار

و ادغام».

نونه ساکنه نزد بقیه حروف (حروف ما بقی) اخفاء می‌گردد. در این حالت نون از مخرج خود اداء نمی‌شود.

(یعنی سر زبان به محل خروج نون نمی‌چسبد) بلکه فقط صدای آن از فضای بینی خارج می‌شود (غنه) لذا کمی هم باید کشیده شود و سپس حرف بعدی تلفظ گردد.

مثال:	یک کلمه	دو کلمه	با تنوین
ت:	أَنْتُمْ	وَأَنْ تُبْتُمْ	يَوْمًا تُرْجَعُونَ
ث:	مِنْ ثَمَرَةٍ	مِنْ ثَمَرَةٍ	خَيْرٌ ثَوَابًا
ج:	أَنْجَيْنَا	إِنْ جَاءَكُمْ	لِكُلِّ جَعَلْنَا
د:	عُنْدَهُمْ	مِنْ دَارِهِمْ	قِنَوَانٌ دَانِيَةٌ
ذ:	أَنْذَرَهُمْ	مِنْ ذُرِّيَّةٍ	يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ
ز:	أَنْزَلَ	مَنْ رَكَعِيهَا	نَفْسًا رَكِيَّةً
س:	إِنْسَانًا	أَنْ سَيَكُونُ	لِيَالٍ سَوِيًّا
ش:	أَنْشَأْنَا	مِنْ شَرٍّ	عَفْوَرٌ شَكُورٌ
ص:	يَنْصُرُكُمْ	أَنْ صَدُّوَكُمْ	رِيحًا صَرَّصَرًا
ض:	مَنْضُودٍ	مِنْ ضَعْفٍ	قَوْمًا ضَالِّينَ
ط:	قِنْطَارٍ	مِنْ طِينٍ	صَعِيدًا طَيِّبًا
ظ:	أَنْظُرُ	مَنْ ظَلَمَ	ظِلًّا ظَلِيلًا
ف:	أَنْفُسَهُمْ	مِنْ فَضْلِ	خَالِدًا فِيهَا
ق:	يَنْقَلِبُ	مِنْ قَبْلِ	سَمِيعٌ قَرِيبٌ
ك:	عَنْكُمْ	مَنْ كَانَ	قَوْلًا كَرِيمًا

احکام «میم» ساکنه

میم ساکنه با توجه به حرفی که پس از آن قرار گرفته است سه حالت به خود می‌گیرد.

۱- ادغام

میم ساکنه فقط در نزد حرف «م» ادغام می‌شود.

میم ساکنه خوانده نشده و به جای آن (م) بعدی مشدد می‌شود.

میم مشدد باید با (غنه) اداء شود (یعنی از فضای بینی و همراه با کشش صوت) مثال:

كَمْ مِنْ - هُمْ مِنْهَا.

۲- اخفاء

میم ساکنه نزد حرف «ب» اخفاء می‌گردد.

این اخفاء با «غنه» همراه است (پس همراه مقداری کشش صوت از فضای بینی).

نحوه اخفاء میم ساکنه نزد حرف «باء» به این شکل است: صدای میم ساکنه را اندکی می‌کشیم و سپس باء را تلفظ می‌کنیم. بهتر است در هنگام کشش میم ساکنه، لب‌ها را مقدار کمی از هم باز نگهداریم.

باید توجه کرد که میم ساکنه حاصله از انقلاب نون ساکنه و تنوین هم نزد «ب» همین حکم را پیدا می‌کند و اخفاء می‌شود. پس انقلاب نون ساکنه و اخفاء میم ساکنه به یک صورت انجام می‌شود.

مثال: وَهُمْ بَارِزُونَ - أَنْتُمْ بِهِ - جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ - فَمَنْ بَدَّلَهُ (فَمَنْ بَدَّلَهُ) - مِنْ

بَعْدِ (مِنْ بَعْدِ).

۳- اظهار

میم ساکنه در نزد بقیه حروف «اظهار» می‌شود یعنی به صورت طبیعی خود از

مخرجش اداء می‌گردد. پس نه کشش صدا و نه هیچ تغییر دیگری در میم ساکنه صورت

نمی‌گیرد.

احکام مدّ و قصر

«مدّ» از لحاظ لغوی «افزونی» و از نظر تجوید «امتداد صوت در حروف مدّ بیش از میزان طبیعی».

«قصر» به معنی «کوتاهی» و ضد مدّ است. در تجوید «اداء حرف مدّ به اندازه طبیعی». هرگاه بعد از حروف مدّی (الف مدّی - واو مدّی - یاء مدّی) «همزه» یا «سکون» واقع شود حرف مدّ باید بیش از میزان طبیعی کشیده شود. پس: سبب مدّ دوتا است: همزه - سکون.

باید دانست که «تشدید» هم به خاطر آن که یک حرف ساکن در درون آن نهفته است سبب مدّ محسوب می‌شود. مثال: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ - ﴿الضَّالِّينَ﴾.

۱- اگر حرف مدّ و «همزه» در یک کلمه قرار داشته باشند (مدّ متصل)، میزان مدّ بیش از زمانی است که همزه در کلمه بعد واقع شود (مدّ منفصل). مدّ متصل می‌تواند مساوی مدّ منفصل هم کشیده شود. اما دیگر کم‌تر از منفصل نمی‌شود.

مثال مدّ متصل: ﴿أُولَئِكَ﴾ مثال مدّ منفصل: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾.

۲- وقتی سبب مدّ سکون «عارض» باشد که به خاطر وقف ایجاد شده است (سکون موقت) کشش مدّ به هر میزان مجاز است (حد اکثر ۳ برابر مدّ طبیعی) و حتی می‌توان مدّ آن را نیورد.

به این مدّ «مدّ عارض» گویند. مثال: ﴿الْمُفْلِحُونَ﴾ - ﴿الْمُفْلِحُونَ﴾.

۳- وقتی سبب مدّ سکون «لازم» باشد که ثابت و همیشگی است، و یا سبب «تشدید» باشد (مدّ لازم) میزان کشش مدّ به حد اکثر خود که سه برابر مدّ طبیعی است، می‌رسد و کم‌تر از آن جایز نیست.

مثال: ﴿الضَّالِّينَ﴾ - ﴿وَالصَّافَّاتِ﴾.

۴- دو حرف (و - ی) ساکنه ماقبل، مفتوح نیز که قبلاً در بحث صفت «لین» آنها را شناختیم حرف مدّ محسوب می‌شوند ولی سبب مدّشان فقط سکون است. میزان کشش هم مانند مدّ عارض است. به این مدّ «مدّ لین» گویند. باید دقت کنیک که در موقع کشش مدّ لین فتحه ماقبل رابه جای واو و یاء ساکنه، مدّ ندهیم.

موارد سکت در قرآن

«سَکَت» به معنای «توقف - سکوت».

در قرائت عبارتست: قطع صوت در حین قرائت بدون تجدید نفس و سپس ادامه قرائت.

موارد سکت در کلام الله مجید (به روایت حفص از عاصم):

۱- عَوَجاً * قَبِيّاً [الکَهْف: ۱].

«عَوَجاً» در وقف و سکت «عَوَجاً» خوانده می‌شود.

۲- مَرَقِدِنَا * هَذَا [یس: ۵۲].

۳- مَنْ * رَاقٍ [القیامة: ۲۷].

۴- بَل * رَانَ [المطففين: ۱۴].

در غیر این موارد «سکت» در قرائت جایز نیست.

وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله وصحبه .

نظرات خود را به ایمیل: mehyadinmoradi@yahoo.com